

ساکنان کوچه بختیاری ها از ناامنی و سرقت های محل زندگی شان گلایه دارند

یک خانه، در تسخیر معتادان



هم قدم

بازسازی بگیریم، امانند. وقتی آمدیم سراغ خانه، دیدیم شهرداری، ملک کناری را تملک و تخریب کرده و هنگام تخریب آن بنا، بخشی از دیوار خانه ما هم خراب شده است. از شهرداری توقع داشتیم دیوار را ترمیم کند تا این اتفاقات رخ ندهد.

با او به سمت دیوار کناری می رویم که تل نخاله های آن، راه همواری برای معتادان ساخته است. سپس درهای چوبی نیم سوخته را باز می کند و داخل خانه با صحنه های اسفناکی از حضور طولانی مدت معتادان و آلودگی های بسیار مواجه می شویم. یزدی با ناراحتی ادامه می دهد: معتادها از طریق ملک بغلی آمده و در خانه مانده اند. کنتور آب و گاز و لوله های خانه را برده و درها را آتش زده اند. حیف این درهای قدیمی و زیبا که می توانست یادگاری از گذشته باشد.

● دیوار، ترمیم و نخاله ها برداشته می شود

رئیس اداره املاک و سرمایه گذاری منطقه ثامن درباره این مشکل می گوید: ملکی که مشکلاتی را برای مردم به وجود آورده، متعلق به شهرداری نیست؛ با این حال درباره ترمیم دیوار و تخلیه نخاله ها بنا شده است حد اکثر ظرف یک ماه، این کار را انجام دهیم.

محمدرضا فخاری درباره دیوارهای فرسوده خانه و ورودی های تخریب شده می گوید: از مالک خواستیم دیوارهای خطر آفرین را ترمیم کند و ورودی درها و پنجره ها را ببوشاند تا مشکلات به وجود آمده رفع شود.

رنگ دیوارها نشان می دهد که مدت هاست اینجا زندگی جریان ندارد. سال ها قبل، خانه چندین دست چرخیده است و آخر سر هم خانواده ای یزدی آن را خریده اند. صاحب فعلی خانه هم از وضعیت موجود گله مند است و می گوید: بیست سال قبل، خانه مان را در یزد فروختیم و این خانه را خریدیم تا همسایه امام رضا^(ع) شویم. آن زمان مجوز ساخت و ساز می دادند، اما وقتی پول ساختن خانه را فراهم کردیم، گفتند خانه در طرح قرار دارد و مجوز ندادند.

● حیف این خانه قدیمی!

بهمن یزدی که با وجود بیماری و کهنه سنی، برای رفع مشکل مردم با پسرانش به مشهد آمده است، ادامه می دهد: رقتیم مجوز

نجمه موسوی ابه دنبال مشکلاتی که کارتن خواب ها در بوستان بخارایی واقع در کوچه بختیاری ها به وجود آورده بودند، به این کوچه آمدیم و متوجه شدیم اگرچه مدتی است در ظاهر، خبری از معتادان متجاهر نیست، درد سرهایشان همچنان همسایه ها را آزار می دهد. بارهنامه ای ساکنان کوچه، می رسیم به یک خانه قدیمی نیش کوچه قائمی ۱۳، درست روبه روی مسجد عرب ها که با توقو امن افراد هنجارشکن و قانون گریز شده است و در این خانه قدیمی، درست روبه روی در مسجد، جا خوش کرده اند.

● کارتن خواب ها همسایه مان شده اند

یکی از ساکنان قدیمی کوچه که بعد از تخریب خانه همسایه ها، منزلشان درست کنار پارک قرار گرفته است، می گوید: کارتن خواب ها قبلا در پارک بودند، بعد که دیوار این خانه قدیمی خراب شد، رفتند آنجا بی توتو کردند و خانه و زندگی همسایه ها را کاملاً زیر نظر دارند. تاملی بینند از خانه بیرون می رویم، می آیند و هر چه در حیاط خانه باشد، می برند.

مریم اکبرزاده که بارها این موضوع را از طریق کلانتری و شهرداری پیگیری کرده است، ادامه می دهد: هیچ وقت نمی توانیم خانه را خالی بگذاریم؛ چون حتی یک بار قفل در حیاط را باز کرده و برده بودند. بعد از شنیدن گلایه فراوان همسایه ها، خانه مد نظر را که درست سر کوچه بختیاری ها قرار دارد، پیدا می کنیم. در خانه سوخته است و



● به برکت همسایه ها

قرآن خوانی ام خوب شد

سید عشرت حسینی صحبت های خانم عصار را ادامه می دهد و می گوید: همسایه های قدیم خیلی به هم اعتماد داشتند. به واسطه همین همسایگی و شناختی که از هم داشتیم، خانم عصار بازسازی خانه شان را به شوهرم سپرد. نوه حاج خانم کوچک بود که حبیب آقا، چند کارگر برد و کار خانه را شروع کرد.

او بیان می کند: من از وقتی مطلع شدم خانم عصار به نیازمندان کمک می کند، هر لباس و وسیله ای را که مناسب باشد، به خانه شان می آورم. همیشه حواسم هست کارشان را راه بیندازم و در کنارش من هم نخودی در دیگ اش آن ها بنده ام.

عشرت خانم حسینی اضافه می کند: یکی دیگر از دوستی ها که اول در حد سلام و احوالپرسی در همین روضه های خانگی بود و کم کم به صمیمیت رسید، دوستی با معلم قرآن محله، خانم جعفری است. از خیر

و برکت این دوستی، روان خوانی ام در قرآن خوب شده است.

همسایه به همسایه، دیدار بیست و دوم، خیابان واعظزاده ۳

رفت و آمد همسایه، مایه برکت خانه

سمیرا شاهیان آگاهی چند دست لباس ساده، بهانه ای می شود برای شکل گرفتن آشنایی هایی که سال ها دوام می آورد. در کنار آن، سلام و علیک خانم های همسایه در یک جلسه قرآن قدیمی، رشته ای از همدلی می سازد که هر روز خیر و برکت جدیدی به وجود می آورد. روایت سه همسایه قدیمی در کوچه آیت ا... واعظزاده ۳ در محله بالاخیابان، روایت همسایه داری های ریشه دار گذشته است: رفت و آمدهای ساده ای که امروز کمتر دیده می شود، ولی از بیشتر پیوند های خانوادگی پایدارتر است.

● اجازه نده همسایه ها به خانه دیگر بروند

زهر عصار از ساکنان قدیمی خیابان هاتفاست. این بانوی سال است سیسمونی و جهیزیه برای خانواده های نیازمند آماده می کند؛ از زمانی که قیمت اقلام آن قدر مناسب بود که می توانست حتی روغن زرد هم در سیسمونی ها بگنجاند. او تعریف می کند: سال ها، دو شنبه ها و پنجشنبه ها خانه مان جلسه قرآن داشتیم و خانم های محل دور هم جمع می شدند؛ بعضی ها برای یاد گرفتن قرآن می آمدند و بعضی ها هم برای مشارکت در خیریه آقا رضا، شوهرم، می گفت: زهره اجازه نده همسایه ها جای دیگر بروند. خانه ما که بیایند، باعث برکت است. صبح ها می آمدند و یک جزء قرآن می خواندیم. من هم اقلام سیسمونی یا جهیزیه را آماده می کردم تا مردم تشویق شوند و مشارکت کنند. او اضافه می کند: همین جلسه باعث شد خانه ما محفلی شود که همسایه ها با هم آشنا شوند، مثل دوستی طولانی خود ما. عشرت خانم حسینی که مرحوم همسرش، در بازسازی خانه کمکمان کرد.



همسایه به همسایه

● همسایه، قدیمی اش

خوب است

لیلا جعفری تعریف می کند که من و همسرم یک ماه بعد از ازدواجمان از لاهیجان به مشهد آمدیم. الان بیست سال است که در خیابان هاتفا زندگی می کنیم. آشنایی ام با حاج خانم عصار در روضه های شان شکل گرفت. عشرت خانم را هم آنجا دیدم و بعد ها هر دو شان آمدند مسجد صاحب الزمان^(عج) برای شرکت در کلاس قرآن، او اضافه می کند: همسایه های قدیمی مثل قورمه سبزی جا افتاده اند.

بیشتر به دل آدم می نشینند. ما همسایه ها پشت و پناه هم هستیم.

به خصوص برای من که اینجا غریب هستم. لیلا خانم بیان می کند: چهارشنبه ها در مسجد، کلاس آموزش قرآن دارم و به همین دلیل خیلی ها من را می شناسند و کمک های مالی شان را به من می سپارند. من هم این مبالغ را به خانم عصار می رسانم.

